

پدر طالقانی:

همه رؤسا باید بوسیله مردم انتخاب شوند

حضرت آیت الله طالقانی، دیشب در يك گفتگو با نمایندگان رسانه‌های عمومی داخلی و خارجی، نقطه نظرهای انقلاب اسلامی ایران را تشریح کردند و نقش آینده روحانیت را در جامعه برشمردند. آیت الله طالقانی در پاسخ این سؤال که موضع جمهوری اسلامی و نظام طبقاتی و اقتصادی آن چیست، گفتند:

● در نظام جمهوریت اسلامی مثل همه نظامها و جمعیت‌ها، یکسری ضوابط و معیارهای عمومی وجود دارد که ما در دست داریم و همه این ضوابط مربوط به مسائل همه مردم است. همه مردم با تمام ابعاد انسانیشان، نه صرفاً از بعد اقتصادی. یعنی انسان بیش از آنکه يك موجود اقتصادی و اجتماعی باشد و نیازهای مادی داشته باشد، احتیاج به آزادی دارد. مفهوم آزادی آنقدر ارجمند است که انسان حتی حاضر است که در مقابل آن امکانات رفاهی را از او سلب کنند. خصوصیت دیگری که در نظام اسلامی وجود دارد این است که فرد نمی‌تواند سلطه کامل بر دیگران پیدا کند، چرا که این حق بر هیچ فردی نیست، حتی آن افرادی که ما آنها را افراد بالاتری میدانیم، یعنی انبیا.

همین‌طور يك حزب و يك گروه حق سلطه داشتن را ندارد. سلطه داشتن غیراز رهبری است. در نظام اسلامی يك فرد می‌تواند رهبری کند، ولی امکان تسلط یافتن را ندارد. از این جهت در نظام اسلامی حزب خاصی وجود نداشته و ندارد.

یعنی اگر در يك مجتمع همه اکثریت آن اصول اسلام را بپذیرند بدون آنکه کارت و یا وابستگی حزبی داشته باشد خودبه‌خود جزو این مجتمع هستند، آزاد و بدون قید و بند سازمانی. پس همین فرقی است مابین نظام اسلامی (بطورکلی) با نظامهای اجتماعی دیگر دنیا. چه دیکتاتورها و سلطه‌های فردی، چه نظام سرمایه‌داری که تعدادی سرمایه‌دار، یا بوسیله زور و یا بوسیله پول بر اکثریت سلطه پیدا می‌کنند، و چه کمونیسم که بوسیله يك حزب مسلط می‌شود. این فرق اساسی بین جمهوریت اسلامی است با سایر نظامهای اجتماعی که در دنیا معمول است.

شورای انقلاب

● خبرنگاری پرسید: شورای انقلاب به چه علت معرفی نمی‌شود و کلاً بگوئید تاکنون چه نقشی داشته‌اید و از این پس چه نقشی خواهید داشت؟

* اصلاً به چه مناسبت این سؤال را از من می‌کنید؟

● به عنوان يك فرد مطلع.

* شما از کجا احراز کردید که بنده يك فرد مطلع هستم؟

● به عنوان یکی از اعضای احتمالی شورا از شما این سؤال را

کردم.

* به عنوان يك عضو احتمالی که نمی‌شود از من سؤال کرد. من يك آدم مریض هستم بهمین دلیل از متن و کارهای دولت بی‌خبرم (البته نه کاملاً) ولی چون سؤال کردید در حد همان اطلاع و آگاهی برایتان می‌گویم. شورای انقلاب پیش از برگشت آیت‌الله خمینی تأسیس شد. کار این شورا شناسائی افراد دولت احتمالی بود که پس از منهدم کردن رژیم اداره امور را در دسترس بگیرند در بازگشت آیت‌الله خمینی بعضی از افراد آن شورا در رأس دولت موقت قرار گرفتند. و در آن شرایط به يك تجدید نظر نیاز داشت. مخصوصاً بعد از درهم شکسته شدن رژیم که من به‌شخصه به‌علت گرفتاری‌ها و ناراحتی مزاجی در این شورا شرکت نکردم. در نتیجه اطلاع کاملی از جریان‌ات این چند روز اخیر ندارم.

آیت‌الله طالقانی در مورد وضع رادیوتلوویزیون گفتند:

● اصولاً مجال زیادی برای استفاده از رادیو تلوویزیون نداشتیم و از این جهت معیار چندانی برای ارزیابی ارزش‌های رادیوتلوویزیون در دوران محمدرضا شاهی و بعد از آن ندارم. ولی اجمالاً میتوانم بگویم که تفاوت‌های زیادی پیدا کرده است. مسئله کلی این است که خصایص شرقی‌ها و اصولاً ایرانی‌ها این است که هم عجول هستیم و هم بلند پرواز. این حسنی دارد و ما هم نمی‌خواهیم که سنگ توقفی باشیم چرا که برای خیر و شر، خوب و بد معیار مطلق وجود ندارد بلکه نسبی است، و يك بدی هم دارد و این آنکه این عجول بودن باعث بهم‌ریختن کارها است. یعنی مردم به مقامات فرصت نمی‌دهند تا کارها در روند خودش پیش برود. رادیوتلوویزیون هم شعبه‌ای از همان سیستم است. و ما امیدواریم که رادیوتلوویزیون به همان قدری که در آلوده کردن افکار

در رژیم سابق دست داشته در شرایط حاضر نقش مثبت و سازنده‌تری را در تزکیه اخلاق و بینش‌های اجتماعی ایفا کند. چرا که رادیو و تلویزیون وسایل قوی و اثرگذاری هستند. به‌رحال افرادی که انتخاب می‌شوند نمی‌توانند از افراد فاسد گذشته باشند. بلکه باید افرادی سالم و صالح که آلودگیهای مغزی نداشته باشند.

انتخاب مدیران

● در اینجا یکی از خبرنگاران گفت. کارکنان رادیو تلویزیون پس از چهارماه اعتصاب به‌همراه هم‌زمان دیگر در شرایطی قرار گرفتند که فضای مطلوبی بوده و هست. در این فضای مطلوب مسئله انتخاب مطرح است، نه انتصاب. افراد رادیو تلویزیون باید حق آنرا داشته باشند که مدیری را از میان خودشان انتخاب نمایند. نظر شما در این مورد چیست؟

● وقتی که ما نظام جمهوری اسلامی را براساس حق همه مردم می‌دانیم، و باید همه مردم در سرنوشتشان دخالت داشته باشند - البته به‌اندازه درک و همتشان، چون میدانیم که آدمها متفاوتند، وقتی اساس جمهوری اسلامی براین پایه است، به‌مطلب دوم می‌رسیم که گروهها، جمعیتها حالا چه اقتصادی و چه اداری، چه کشاورزی، چه کارخانجاتی، همه اینها حق دارند که سرپرستهایشان را خودشان انتخاب کنند. ما آن نظام را براساس حقوق عمومی قرار می‌دهیم خواه ناخواه این حق برایشان است. عقیده شخصی منم براین است. البته يك مقدار توضیح بیشتری بدهم چرا که این سؤال مقدر است و در زمینه‌های دیگر هم وجود دارد. پس از همین الان نگفته، ولی دانسته بدانها پاسخ می‌دهم تا خیال شما و خودم را هم راحت کنم. باری مسئله‌ای را که بارها بدان اشاره کردم، مسئله آزادی است، آزادی در تمام ابعاد. وقتی که اساساً این مطلب مطرح است، و وقتی که ما آزادی را برای انسان بالاترین هدیه الهی و بشری می‌دانیم که انسان آزاد آفریده شده است، هیچ کس هم نمی‌تواند آنرا سلب کند. اصولاً تمامی انقلابات برای باز کردن بندها بوده است. چه بندهای اجتماعی و چه بندهای اخلاقی. قرآن درباره بعثت پیغمبر (ص) چنین می‌گوید که: پیغمبر برای این مبعوث شده که بندهای تحمیل شده به‌انسان را از هم بگسلد. پس ما هیچ وقت در اسلام نمی‌توانیم تحمل کنیم که استبداد جایش را به‌یک

حزب و یا استبداد دیگری بدهد. این يك اصل کلی است.

روی این اصل کلی، هر فردی میتواند که در زندگی، مشی و روش خودمختارانه داشته باشد و آزاد باشد. البته این آزادی او نباید به آزادی دیگران لطمه بزند. پس هر گروه و دسته‌ای آزاد است که برای خود نماینده و سرپرست انتخاب کند. این مسئله در مورد دولت هم صادق است. باید مجموع نمایندگان گروهها بصورت مجلس منتخب، آزاد و از مجلس منتخب دولت تشکیل شود که البته مستلزم آن است که ما بطور مصطلح در اسلام دولت داشته باشیم که نداریم. همین ملتی که تا چند ماه و چند سال قبل نمی‌توانست يك جزوه بخواند، چرا که برای او محکومیت‌های خاصی داشت. در اثر يك جرعه و چشش تمامی این بندها پاره شد و یکباره احساس آزادی کرد. از این جهت آنها عجله دارند که تمامی این مسائل در عرض يك روز حل شود. مسائلی از قبیل دولت، تلویزیون، ارتش و یا همین اعتراضاتی که همافران نیروی هوایی به انتصابات فرماندهان خود کردند و خواستار انتخاب فرمانده از میان خودشان شدند، که البته ما این حق را به آنها می‌دهیم. چرا که همین همافران نقش بسزائی در پیروزی داشتند. ولی این را باید همه افراد ملت خصوصاً جوانها بپذیرند که مسائل زندگی و سازندگی، مسئله‌ای تدریجی است. با يك زلزله و با يك کلنگ، يك کاخ را میشود خراب کرد ولی ساختن مجدد آن مستلزم يك عمل تدریجی و مصالح و مواد و عناصری است. فقط مسئله مهم آن است که این نهضت ادامه پیدا کند و متوقف نشود. و متأسفانه به نظر من در این شعارها، و در درخواستهای بیش از حد شرایط و زمان که جوانهای ما دارند، احتمال می‌دهم که انگشت‌های ارتجاع سابق و امپریالیسم عامل محرکند. این دولت يك دولت انتقالی است. يك دولت موقت است. دولت موقت باید يك مقدار با این بهم‌ریختگی سروشکل بدهد و از این پراکندگی و رکود وضع اقتصادی، از هم پاشیدگی وزارتخانه‌ها، مراکز اقتصادی و کارخانه‌ها راه بیافتد و بعد نوبت انتخابات آزاد همه مردم شود. این مطلب به این دلیل نیست که همه‌ی گروهها و صنفها از حالا شروع به کار کنند.

افراد مصلح بدون دخالت‌های فردی، بدون حب و بغضها و وابستگیها افراد صالح و شایسته به معیار تقوا، تقوا با تمام ابعاد، تقوای نفسی و تقوای اجتماعی انتخاب شوند تا بتوانند در آینده دولت

را تشکیل بدهند.

دوره انتقالی

● همان خبرنگار توضیح داد: يك نکته در بین صحبتاتان بدان اشاره کردید و آن عجول بودن قضیه است. این ممکن است که در مورد سایر سازمانها، صادق باشد، ولی در مورد رادیو و تلویزیون نیست، چرا که در همان روز اول درهم کوبیدن ارتش با ورود کارکنان رادیو و تلویزیون نقششان هم ثابت شد. مخصوصاً اینکه شما اشاره به این موضوع نمودید که ما الان در حال گذراندن دوره انتقالی هستیم...

● ... من نگفتم که وقتی مجلس مؤسسان تشکیل شد وضع ما مشخص می‌شود. عقیده‌ی من این است که از همین الان، از پایه باید شروع کرد. چرا که این انقلاب، يك انقلاب همگانی است. این مردم بیشتر از همه‌ی ما حق رأی و تصمیم‌گیری دارند. چرا که آنان خون دادند. و الان می‌بینیم بچه‌هایی هستند که شبانه‌روز دو ساعت بیشتر نمی‌خواهند و در خیابانها پاس می‌دهند و مواظب اوضاع هستند. انقلاب مال آنهاست تنها کاری که ما می‌توانیم بکنیم این است که حامی اینها باشیم. چون انقلاب مال اینهاست ما باید منتخبین اینها را در هر دسته و گروهی که هستند انتخاب کنیم بنابراین من معتقد نیستم که اول مجلس مؤسسان تشکیل بشود بعد کارها شروع بشود.

وضع ارتش

● از ایشان سؤال شد: مسئله ارتش این روزها مسئله روز است. یکمده می‌گویند که با تغییر مهره‌ها و دست نخوردن سازماندهی در ارتش، مار را در آستینمان پرورش داده‌ایم. و عده‌ای دیگر معتقد هستند که ارتش سر جای خودش باشد و فقط فرماندهان و افرادی که در رژیم گذشته دستشان به خون آلوده شده است باید عوض شوند. شما با تشکیل ارتش ملی موافق هستید؟ و دوم آنکه آیا ارتش فعلی باید درهم ریخته شود و ارتشی مجدد سازمان پیدا کند، یا خیر؟

● شما اول باید سؤالتان را تفکیک بکنید در وهله اول باید بگویم که ارتشی نمانده است که شما از آن صحبت می‌کنید. این ارتشی است که فعلاً با تمام تبلیغاتی که رژیم برای آن می‌کرد با چند ضربه متلاشی شد. یعنی از درون يك ارتش ملی و وابسته به مردم و وطن

نمود. وابسته به چند فرد و استعمار بود. بنابراین ارتشی بمعنای ارتش فعلاً وجود ندارد. آنچه که هست، آن افرادی که برای ارتش منصوب می‌شوند، آنطوریکه من میدانم، برای آن است که اینها بتوانند به ارتش فرو ریخته شکل بدهند. مخصوصاً در این روزها که وسایل و ابزار جنگی در دست مردم افتاده است و بعضی از آنها هم به غارت رفته.

این انتصابات صرفاً به منظور حفاظت از سرمایه‌های عظیم ملی در پادگانهاست. تا به تدریج از بنیان تغییراتی در آن داده شود. اما از نظر من ارتش به یک سری از عوامل وطن پرست و با ایمان نیازمند است تا بتواند رهبری صحیح داشته باشند. برای آنکه ما یک ارتشی می‌خواهیم که حافظ سرحدات و مرزهایمان باشد. و از مملکت در مقابل حملات بیگانگان حفاظت کند. این ارتش دیگر نمی‌تواند ده هزار یا بیست هزار باشد. باید همه‌ی ملت ارتش باشند و از نظر اسلام ارتش هم همین است.

شما وقتی در صدر اسلام نگاه کنید می‌بینید که ارتش مردم بود و مردم ارتش بودند. و با همان ارتش دو امپراطوری را در طول ربع قرن فرو کوفتند. نظام حاکم در ارتش اسلام نظام درجه نبود بلکه نظام لیاقت بود. ولی در ارتش رژیم ملاک ارزش پرونده‌های اطلاعات و ضد اطلاعات بود. چند روز پیش پرونده‌های ضد اطلاعات و اطلاعات را آورده بودند و من نگاهی بدانها کرده بودم با سابقه چند خطی فلان سرتیپ می‌شود سرلشگر، معیار سابقه بدین شکل بود که فلان آقا در روزهای جشن دوهزار و پانصدساله فلان کارها را کرده، شاهدوست بوده است و همین چند خط چند درجه به همراه داشت و کل ارتش ما را این میرزا بنویس‌های بادمجان دور قابچین تشکیل می‌دادند. ولی حالا ارتش باید دو کار انجام بدهد، یکی آنکه تمامی امرا را که دستشان به خون مردم آلوده است به محاکمه بکشند و آنها که در حواشی بودند، اگر خوردند و بردند، ببینند که اگر دزدیهایشان مسلم شد اموالشان را مصادره کنند و آنها را خانه نشین کنند. و بعد به مراحل پائینی ارتش می‌رسیم، آنهایی که حسن نیت داشتند میمانند و آنهایی که نداشتند اخراج کنند. اگر کار بدست من باشد، من یک پاسبان لایق و با ایمان و کاری را در رأس شهربانی قرار می‌دهم. و ستوان یک لایق را در رأس ستاد قرار می‌دهم. اما هنوز در خصوصیات ارتش این تلقین وجود دارد که یک دوستاره باید در مقابل سه ستاره سلام بکند

و باور نمی‌کند که يك دوستاره بر سه - چهار ستاره فرماندهی کند. این نیاز به‌زمان دارد تا به تدریج این روابط از بین برود.

* استنباط من از حرفهای شما این است که ارتش ما در آینده با ارتش فعلی کاملاً متفاوت خواهد بود؟

● بله.

آینده ایران و فلسطین

* سپس سؤال شد که: الان برادران فلسطینی ما در ایران هستند من می‌خواستم محبت بفرمائید و بگوئید که روابط و کمک‌هایی که ما بدانها خواهیم کرد به چه ترتیبی خواهد بود؟

● فلسطینیها مردمانی هستند که با زور از خانه‌هاشان رانده شدند. که این برخلاف تمامی موازین حقوقی و انسانی است. و اینها يك حرف بیشتر ندارند و آن اینکه ما از خانه‌هاشان رانده شدیم و خانه‌هاشان را می‌خواهیم. این مظهر مظلومیت فلسطین و ظلم و استعمار بطور کامل متبلور شده در داستان فلسطین. و اما مسئله روابط، ما از همان لحظات که وضعیت فلسطین بوجود آمد پشتیبانی خود را اعلام داشتیم. درست در همان جهت که رژیم مدافع اسرائیل بود ما مدافع فلسطین بودیم و این بخشی از پرونده‌های من است و این حمایت تا لحظه پیروزی خلق فلسطین ادامه خواهد داشت.

* سؤال شد این همکاری می‌تواند دو صورت داشته باشد. یکی روابط دوستانه غیررسمی و یکی روابط دیپلماتیک دولت وقت ایران و فلسطین، و اصولاً بفرمائید که مقدار صلاحدید روابط تا چه اندازه است؟

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

● اگر بتوانیم خودمان را نجات بدهیم، نه تنها از دولت فلسطین بلکه هر دولت مظلوم دیگری را طبق وظایف اسلامی و انسانی حمایت می‌کنیم. چگونگی دستگیری هم به زمان بستگی دارد. اگر توانستیم از طریق دولت‌ها و اگر نتوانستیم از طریق ملت‌ها. این در احکام اسلام هم وجود دارد. ما به هر فرد و گروه مظلوم از هر مذهب و مسلکی که باشد کمک خواهیم کرد.

گمایه از دولت شوروی

* پرسیده شد که: در مورد روابط دولت آینده ایران با شوروی نظرتان چیست؟

● ما با کشور شوروی که هم مرز ماست و وسعت پهناوری دارد. قدرت دارد. روابط ما باید روابطی باشد که سوء قصد به یکدیگر نداشته باشیم. شوروی نباید ما را آلت دست مسائل بین‌المللی خودش قرار بدهد. تا وقتی که روابط عادلانه باشد و سودجویانه نباشد، بلاطبع روابط ما حسنه خواهد بود. البته ما گلایه‌ای از کشور همسایه‌مان داریم. برای اینکه ما می‌دیدیم که شوروی بنا به سیاست خودش این رژیم سرنگون شده را تأیید می‌کرد. و این مسئله برای مردم ایران دردآور بود. ما میدانیم که شوروی يك کشور استعمارگر به مفهوم کشورهای غربی نیست و استعمارگری با تزشان منافات دارد ولی گله‌مندی ما همین بوده که در طول انقلاب اخیر بطور مستقیم از ملت ایران دفاع نکرده است، و این گله‌ای است از ما بر شوروی، همانطور که در دولت دکتر مصدق هم حمایت نکرد. در این اواخر هم که به‌رادیو مسکو گوش میدادیم، هیچ وقت بطور مستقیم به شاه و دار و دسته‌اش حمله نمی‌کرد. به‌رحال در مورد حسن روابط نه تنها در مورد شوروی بلکه در مورد تمامی کشورها ما نمی‌خواهیم روابطی تیره و تار داشته باشیم. بلکه روابطی روشن چه از نظر روابط سیاسی و چه از نظر اقتصادی و اجتماعی.

خلع سلاح خطرناک نیست

* پرسیده شد که: در روزهای اخیر اقداماتی برای خلع سلاح افراد چریک انجام شده است. با در نظر گرفتن اینکه گروههای مسلح مجاهدین و فدائیان در کنار نیروهای مسلح مردم عادی جنگیده‌اند فکر نمی‌کنید در شرایطی که ضدانقلاب هر لحظه می‌خواهد سر بیرون کند این خلع سلاح خطرناک باشد؟

● این مسائل باید از یکدیگر تجزیه شوند. يك مسئله، مسئله خلع سلاح است. در شرایطی که سلاح در دست افراد غیرمسئول افتاده است خودش میتواند خطری برای امنیت داخلی کشور باشد. پس از نظر من جمع کردن سلاح کار درستی است ولی البته سلاح‌ها باید در دسترس افراد مسئول باشد تا از مردم دفاع کنند. و این افراد مسئول دارای مکانهای ثابت باشند تا نظم اجتماعی به هم نخورد.

* پرسیده شد که: من منظورم گروههای مسلح است که در کنار مردم از زمان اختناق هم مسلح بودند.

● خلع سلاح به نظر من بدان معنی نیست که سلاح از دسترس آنها دور باشد. ولی در این شرایط نباید طوری باشد که در دسترس افراد غیرمسئول بیفتد. البته در اینجا باید يك مسئله را عنوان کنم و آنهم اینکه با آنکه این سلاح‌های قوی که در دسترس مردم قرار گرفته‌اند، این مردم چقدر با شرافت و صدیق هستند که از آنها به عنوان حربه‌های شخصی و راهزنی استفاده نمی‌کنند. آنهم در شرایط فعلی و اوضاع تحول و تحرك. این قابل قدردانی است.

* سؤال شد که: معیار مسئولیت چیست؟

● همانقدر بدانیم که سلاحها در مورد مسائل نهضت بکار می‌رود، بهترین معیار است.

موضوع کناره‌گیری آیت‌الله

مردم معتقدند که کناره‌گیری شما از بعضی از مسایل به جنبش لطمه می‌زند و از شما میخواهند که به عنوان يك فرد آگاه در مسایل ایران درباره انتصابات و دیگر عوامل به‌عنوان رهنمود به‌دولت بگوئید؟ ● من اینرا درست درك نمی‌کنم که وجود پیر و ضعیف من چه عامل مهمی می‌تواند در جنبش باشد، و در ثانی چند روز کناره‌گیری من نباید لطمه‌ای به جنبش بزند، چرا که اگر جنبش با این عمل ناچیز من صدمه ببیند آنوقت باید در اصل جنبش شك کرد. بهر حال من آنچنان هم کناره‌گیری نکردم چرا که در منزل من از صبح تا دوازده شب باز است و هر کمکی که توسط فرزندان نسبی و سببی من فراهم باشد به مراجعین می‌کنند، خودم هم همین‌طور. تازه اگر نظرخواهی در مورد مسائل روز باشد من هم نظر میدهم چه در مورد دولت و چه در دیگر مسائل چرا که من با آقای بازرگان دوست صمیمی هستم. دوستی نزدیک به چهل سال.

روابطمان روابطی خانوادگی است. تازه این مسئله مطرح است که اگر من بخواهم در مورد انتصابات و انتصابات نظر بدهم ایشان بدلیل دوستی نمی‌توانند دست به‌کارهایی بزنند. آنوقت مسائل دیگر پیش خواهد آمد. دیگر آنکه در خانه مرا از پاشنه درمی‌آورند و هر روز عده‌ای برای پست و مقام با هزاران توصیه خواهند آمد. این یکی از بدبختی‌های بشر است. آنهم در این شرایطی که باید به خواسته‌های توده‌های مردم برسیم، باید به رتق و فتق این عالیجنابان برسیم بهر حال

دولتی است که تشکیل شده است. این دولت و آقای بازرگان برای همه مردم يك ایده تقریباً شناخته شده است. و من و هر کس دیگر اصولاً با آدمی که ضعف و قوتش را بشناسد بهتر می‌تواند با او کار کند. از این جهت آقای بازرگان بهتر از افراد ناشناس است، ولی این دلیل آن نیست که آقای بازرگان ایده‌آل است نه. خودش هم همچنین حرفی را نمی‌گوید.

آقای بازرگان به عنوان يك ایرانی مبارزه کرده است افکارش در کتابهایش مشخص است پس برای مردم شناخته شده‌تر است. من هم به سهم خودم با ایشان همکاری دارم. با هم مشورت می‌کنیم. پس دلیل کناره‌گیری من چیست؟ آیا باید وزارت می‌گرفتم، اینکار که با مواضع روحانیت جور در نمی‌آید. نه من و نه آیت‌الله خمینی هیچکدام دنبال صدارت و وزارت نیستیم. ما فقط نظارت خواهیم داشت. البته یکسری از مسائلی که این روزها مطرح شده است مسئله جانشین شدن استبدادی بر مسند استبداد قبلی است یا به زبان دیگر نعلین جانشین چکمه شده است این کار آدم‌هایست که جز نق‌زدن کار دیگری نمی‌توانند بکنند. ما اگر بخواهیم که يك ملت مبارز باشیم باید از هر نوع دسته‌بندی جدا باشیم. اول آزاد باشیم بعد مبارز.

اطلاعات دوشنبه ۳۰ بهمن ۵۷

مذاکرات خصوصی خمینی - طالقانی

آیت‌الله عظمی خمینی و آیت‌الله طالقانی ساعت پنج بعد از ظهر روز گذشته با هم ملاقات کردند. دو رهبر در این ملاقات یکساعت بطور کاملاً خصوصی با هم مذاکره و گفتگو کردند.

پس از این مذاکرات آیت‌الله عظمی خمینی و آیت‌الله طالقانی به‌طور مشترک با نمایندگان جبهه آزادیبخش صحرای پولی‌ساریو - و نمایندگان خلیفه‌گری ارامنه تهران دیدار و گفتگو کردند تا ساعت ۱۰ دیشب از سوی کمیته‌های امام خمینی پیرامون موضوع مذاکرات یکساعته دو رهبر مطلبی منتشر نشد.

آیندگان سه‌شنبه ۸ اسفند ۵۷